



مرکز عدالت  
برای کودکان و نوجوانان

# سربازگیری از کودکان، چگونه پایان مے یابد؟





مرکز عدالت  
برای کودکان و نوجوانان

سر باز گیری از کودکان،  
چگونه پایان مے یابد؟

## مقدمه

استفاده یا بهتر بگوییم سوءاستفاده از کودکان، در جنگ و سربازگیری از میان آنها، از مصادیق نقض آشکار حقوق کودکان است. در ماده ۴ پروتکل اختیاری ممنوعیت استفاده از کودکان در جنگ، آمده: «از طرفین درگیری‌ها می‌خواهد که به افراد زیر هجده سال اجازه شرکت در جنگ داده نشود و سربازگیری اجباری در مورد این افراد نیز ممنوع است.» ماده ۶ همین پروتکل نیز تصریح دارد: «دولت‌ها نباید کودکان را برای اقدامات نظامی بسیج کنند و از نام‌نویسی آن‌ها برای شرکت در درگیری‌های نظامی خودداری شود و حکومت‌ها برای بازگشت آرامش جسمانی و روانی کودکان تلاش کنند.»

بی‌اعتنایی برخی دولت‌ها از جمله دولت ایران در سربازگیری از میان کودکان، سبب شد تا در اساسنامه رم از دیوان بین‌المللی کیفری با صراحت بیشتری از سربازگیری از میان کودکان به عنوان جرم جنگی یاد شود. در ماده ۲، ۸، و ۲۶ اساسنامه رم مصوب سال ۱۹۹۸ که در سال ۲۰۰۲ اجرایی شد آمده سربازگیری یا نام‌نویسی از افراد زیر ۱۵ سال برای شرکت در درگیری‌های نظامی ممنوع و یک جرم جنگی محسوب می‌شود. شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز در سال ۲۰۰۵ با تصویب قطعنامه ۱۶۱۲ ایجاد سیستم نظارتی و گزارش‌دهی به منظور وادار کردن دولت‌ها و گروه‌های نظامی و شبه نظامی به استفاده نکردن از کودکان در جنگ و پذیرش قوانین بین‌المللی را مصوب کرد.

با این وجود سرداران نظامی در ایران به این قواعد تن نداده‌اند، بلکه کودکان را تشویق می‌کنند که با پیوستن به بسیج در سرکوب اعتراضات خیابانی شرکت و با فراگیری آموزش‌های نظامی برای نبرد آماده باشند.

سوءاستفاده از کودکان و نوجوانان در فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی موضوع گفتگویی است با آقای محسن سازگارا فعال سیاسی و از موسسین سپاه پاسداران، خانم ونوس ترابی پژوهشگر دانشگاه و محقق در حوزه تروریسم، آقای حسین رئیسی حقوقدان و متخصص حقوق کودکان و آقای مصطفی خسروی روزنامه‌نگار.

من با اجازه مهمانان گرامی بحث را با آقای سازگارا شروع می‌کنم تا نگاهی داشته باشیم به استراتژی نهادهای نظامی و شبه نظامی در جمهوری اس لامی به سوء استفاده از کودکان و چرایی تداوم نقض حقوق کودکان پس از خاتمه جنگ.

آقای محسن سازگارا:

شاید ۴۴ سال پیش عقل نسل ما نمی‌رسید که ناظران بین‌المللی و کنوانسیون‌های بین‌المللی وجود دارند که ممکن است ما را متهم کنند به سوء استفاده از کودکان. آن زمان هم کسی بد نمی‌دانست و هم شور و حرارت انقلابی، استفاده از نوجوانان را مجاز می‌ساخت. به همین دلیل از فردای پیروزی انقلاب هر تظاهرات و هر کشمکش بود به جز دانشجویان، دانش‌آموزان هم پای ثابت فعالیت‌ها بودند.

این فضا و ندانم کاری آن مقطع دست‌اندر کارهای انقلاب، ادامه داشت تا رسیدیم به جنگ. جنگ که شروع شد آن شور و هیجانی که کشور را گرفته بود و آن سازمان بسیجی که برای بسیج، آموزش و اعزام اقشار مختلف جامعه به جبهه‌ها شکل گرفته بود، اعزام کودکان و بسیج دانش‌آموزی را هم در دستور کار داشت.

بچه‌های زیادی آن زمان در جبهه‌ها بودند که تا شب عملیات در سنگرها به درس خواند مشغول بودند و می‌گفتند اگر در عملیات شهید شدیم که فبها و گرنه باید در امتحانات پایان سال شرکت کنیم.

حضور کودکان در جبهه‌ها، آنقدر عادی بود که حتی فرماندهان جنگ پز آن را هم می‌دادند. حسین فهمیده ۱۴ ساله، که هنوز هم معلوم نیست چگونه کشته شد، را به قهرمان جنگ تبدیل کردند تا همسن‌ها و هم نسل‌های او را برای اعزام به جبهه‌ها تهییج کنند.

از سال دوم سوم جنگ به بعد بود که اعتراض دنیا نسبت به استفاده از کودکان در جنگ شروع شد. تازه آقایان متوجه شدند کاری که می‌کنند خلاف کنوانسیون‌های بین‌المللی و غیرقانونی است به همین دلیل آمدند برای اعزام کودکان به جبهه شرط رضایت والدین را گذاشتند ولی بچه‌ها با جعل رضایت‌نامه و به طرق مختلف خود را به جبهه‌ها می‌رساندند، و با وجود اینکه از یک جایی به بعد سخت‌گیری برای سربازگیری از میان کودکان شروع شد، ولی تا آخر جنگ همین وضع ادامه داشت و بچه‌ها درصد بزرگی از

رزمندگان را تشکیل می‌دادند.

بعد از جنگ که یواش یواش نسل عوض شد و نسل دهه ۳۰ و ۴۰ که جوان و نوجوان بودند، جای‌شان را به متولدین دهه ۵۰ و بعد ۶۰ دادند، دیگر آن شور و هیجان انقلابی وجود نداشت. از این‌جا به بعد می‌توان انگشت اتهام سوءاستفاده از کودکان را متوجه سپاه پاسداران به فرماندهی آیت‌الله خامنه‌ای گرفت.

یعنی از دهه هفتاد سپاه با توسعه بسیج دانش‌آموزی، اعزام‌های راهیان نور و مغزشویی‌های گسترده، به پارگیری از میان کودکان متوسل شدند. در این مقطع دیگر نمی‌توانند ادعا کنند که نسبت به قوانین بین‌المللی اطلاع نداشتند، بلکه عالمانه و عامدانه، سراغ کودکان و نوجوانان رفتند تا آنها را جذب کنند برای اجرای سیاست‌هایشان.

آقای سازگار چه تفکری باعث شد که بعد از جنگ این مسئله تداوم پیدا کند؟ آیا صرفاً یک بحث ایدئولوژیک پشت این ماجرا بود یا اینکه احساس می‌کردند که بچه‌ها را ساده‌تر می‌توانند فریب دهند و تهییج کنند برای فعالیت‌هایی که بزرگ‌تر ممکن بود تن ندهند. چون ما اخیراً در همین جنبش مهسا در یک سو نوجوانانی داشتیم که پای ثابت جنبش بودند و اتفاقاً هزینه زیادی هم دادند و در سوی دیگر نوجوانانی را داشتیم که توسط نیروی انتظامی و بسیج با لباس نظامی و برای سرکوب به خیابانها آورده شده بودند. آن تفکری که باعث شد سوءاستفاده از کودکان تداوم پیدا کند چه بود؟

آقای محسن سازگارا:

یک رژیم توتالیتر ایدئولوژیک، که می‌خواهد افکار مردم رو کنترل کند از فیلم و کتاب و کنسرت و تئاتر و نمایش گرفته تا نحوه لباس پوشیدن و رفتار اجتماعی را می‌کوشد کنترل کند. جمهوری اسلامی دقیقاً چنین مدلی از حکمرانی است یک حکومت تمامیت‌گرا. آنها فکر می‌کنند باید بچه مدرسه‌ای را جذب کنند و بکشاند دنبال خودش. به همین دلیل از دهه ۸۰ سعی کردن یک سری جذابیت‌ها را برای بسیج ایجاد کنند از عضویت در بسیج به عنوان بخشی از سربازی تا سهمیه کنکور و امتیازات دیگر.

نکته دیگر اینکه در دوره اصلاحات، این را من از یکی از دست‌اندرکاران بیت رهبری شنیدم که وقتی آقای خامنه‌ای دید نوجوان‌ها در انتخابات سال ۷۶ خیلی فعال بودند و رای اولی‌های قدرتمندی برای اصلاحات ساخته‌اند، و در واقع اصلاحات از خاتمی به عنوان مد روز برای جذب نوجوانان و جوانان بهره می‌برد و دیگر خامنه‌ای و انقلابی‌گری مد روز نیست، آقای خامنه‌ای کوشید بسیج را به سازمانی مثل سازمان جوانان حزب کمونیست تبدیل کند. به همین دلیل بسیج مستضعفین را از بسیج سپاه پاسداران جدا کرد و تشکیلات تازه‌ای راه انداخت، یک سری امکانات به آنها داد و کوشید با مغزسویی گسترده نوجوانان، یک لشکر سیاسی برای خود دست و پا کند.

یک بحثی که در گزارش‌های بین‌المللی خیلی زیاد روی آن تاکید می‌شود این است که سپاه و جمهوری اسلامی نه تنها در داخل کشور، بلکه به گروه‌های شبه نظامی در کشورهای دیگر کمک می‌کند که از میان کودکان سربازگیری کنند و به طور مشخص از عراق نام می‌برند، جایی که ایران خیلی خدمات تکنیکی به آنها داده تا بیاموزند چگونه بچه‌ها را بسیج کنند و چگونه از بچه‌ها در گروه‌های شبه نظامی استفاده کنند. من اینجا از خانم ترابی می‌خواهم بپرسم چه شباهت‌هایی وجود دارد در جذب کودکان توسط گروه نظامی و شبه نظامی در ایران و مشخصا سپاه پاسداران با گروه‌های شبه نظامی منطقه و آیا شما وجه اشتراکی می‌بینید یا نه؟

خانم ونوس ترابی:

ما باید نگاه کنیم چرا بچه‌ها تارگت‌های مهمی می‌شوند برای گروه‌های شبه نظامی. اگر به من اجازه بدید توضیح دهم که داعش چطور سربازگیری می‌کند. چرا که برخلاف سپاه که نیروی رسمی یک دولت است و مدعی است کارش حفظ امنیت است، داعش یک گروه تروریستی است که علنا فعالیت‌های تروریستی دارد، هرچند هر دو آنها از روش‌های نسبتا مشابهی برای سربازگیری از میان کودکان اقدام می‌کنند.

به فیلم‌هایی که از داعش بیرون آمده نگاه کنید و ببینید که چگونه آنها از کودکان ۱۳، ۱۴ و ۱۵ ساله با ملیت‌های مختلف برای اعدام دیگران استفاده می‌کنند. گروه‌های شبه نظامی یک جا با «متقاعد کردن» کودکان، آنها را جذب می‌کنند مثل کاری که در افغانستان یا در

گروههای شبه نظامی در فلسطین انجام می‌شود ولی در داعش و عملیات‌هایی که انجام می‌دهد «اقتناع کلامی» کافی نیست و کار نمی‌کند اینکه به یک کودک ۱۴ ساله اسلحه می‌دهی و می‌گویی به مغز این فرد شلیک کن، با اقتناع تنها شدنی نیست. «بن لادن» از اقتناع کلامی استفاده می‌کند و آنها را به مبارزه علیه کفر و شرک با خدا تهییج می‌کند یا در مدرسه‌های حماس شعرهایی سروده می‌شود که شهادت را به عنوان یک آرزو تشویق می‌کند. اقتناع برای کودک شرقی که با فرهنگ شهادت بزرگ شده، جواب می‌دهد ولی برای کودک بریتانیایی بی‌معناست. داعش برای حل این چالش، به ویدئو گیم‌ها روی آورده، گیم‌ها را دستکاری می‌کند تا وقتی بچه‌ها آن را بازی می‌کنند در ذهن‌شان یک مکانیزمی فعال می‌شود که یک کاری را تکرار می‌کنند. اینجا فقط لذت بردن از بازی نیست به کودک پاداش هم می‌دهد. در بازی‌های طراحی شده توسط داعش کودک برای اینکه جایزه بگیرد و به مرحله بعد برود باید یک نفر را بکشد.

آنها با طراحی میدان‌های مین و تصویرسازی این میدان‌ها، این ذهنیت را در کودک ایجاد می‌کنند تا به کشتن و ترور عادت کند. در واقع، کار داعش ابتدا زیباسازی صحنه ترور، کشتن قبح ترور، عادی جلوه دادن آن و عادت دادن نوجوانان به لذت بردن از کشتن کودکانی که این گیم‌ها را بازی می‌کنند در واقع تمام ماموریت‌های داعش را زندگی می‌کنند. چطور این اتفاق می‌افتاد؟ موضوع این است که این گیم‌ها فقط بازی نیست. در گیم پول هم مطرح است من در مورد تفکر نوجوان غربی صحبت می‌کنم که این گیم را بازی می‌کند. او در عین حال که به بازیگر مقابل با کلیدی که انجام می‌دهد پول می‌رساند خودش هم در معرض پروپاگانداست. در پروپاگاندا اولین اصل اساسی این است که چطور تروریست‌ها و اکسترمیست‌های غربی از این پلتفرم‌ها سوءاستفاده می‌کنند و چگونه ذهن کودک تحت تاثیر این پروپاگاندا، ترور برایش عادی می‌شود. چطور ترس‌اش از خون، کشتن و پرکردن خشاب اسلحه و شلیک می‌ریزد.

بحث جالبی را باز کردید ولی برای از دست ندادن وقت مجبوریم از روی این مساله عبور کنیم و اگر کوتاه به شباهت‌های عضوگیری و سربازگیری از کودکان، در سپاه و داعش هم بپردازید از موضوع اصلی خارج نمی‌شویم.



خانم ونوس ترابی:

ویدیو گیمی که برای قاسم سلیمانی ساخته شده در راستای همین سربازگیری کودکان ایرانی است. در این بازی نشان می‌دهد که بچه‌ها از ایران می‌روند در بسیج و در سپاه قاسم سلیمانی می‌جنگند و کشته می‌شوند و پرستش شهادت، ترویج می‌شود. اگرچه ماهیت این کاری که سپاه انجام داده با کاری که داعش انجام می‌دهد متفاوت است ولی یک الگوبرداری از داعش است. در جمهوری اسلامی بیشتر سیاست افناع و مغزشویی است که کارکرد دارد، خوب البته تطمیع هم وجود دارد و امتیازاتی داده می‌شود ولی باز نمی‌توان مدل سربازگیری آنها را با داعش یکی فرض کرد.

این بحث خیلی جالبی است و دوست دارم این موضوع را در پادکست دیگری باز کنیم که چگونه با این روش‌ها و این بازی‌ها نوجوانان را تحت تاثیر قرار می‌دهند و از آنها سوءاستفاده می‌کنند. اما اینجا مایلیم نظر آقای رئیسی را بدانم که چرا این کمیسیون‌ها و قطعنامه‌ها که در سطح بین‌المللی در نكوهش سوءاستفاده نظامیان از کودکان صادر می‌شود، تاکنون منجر به توقف سوءاستفاده از کودکان نشده است؟

آقای حسین رئیسی:

من می‌خواهم به این برگردم که اولاً از نظر حقوقی و حقوق بین‌الملل ما با پدیده‌ای مواجه هستیم که حکومتی به طور استقرار یافته و ایدئولوژیک اهدافی را دنبال می‌کند. تا زمانی که حکومت مستقر نیست یعنی تا سال ۵۷ و ۵۸ می‌توانیم بگوییم سوءاستفاده از کودکان براساس احساسات بوده ولی بعد از استقرار، بعد ایدئولوژیک پیدا کرده است.

حکومت ایدئولوژیک، اولین قانونی را که تغییر می‌دهد سن مسئولیت است. مسئولیت اجتماعی و مسئولیت کیفری را برای کودکان دختر ۹ سال و برای پسران ۱۵ سال تعیین می‌کند. تعیین چنین سنینی برای مسئولیت کیفری، مبتنی بر احکام دینی و ترویج فرهنگ شهادت در کتب درسی و راه‌اندازی کاروان‌های راهیان نور و تشکیل بسیج دانش‌آموزی، جملگی یعنی ایجاد ساختار ایدئولوژیک برای سربازگیری از کودکان.

در پاسخ به پرسش شما باید بگویم کجا جامعه جهانی به خوبی عمل کرده که اینجا کرده

باشد. مساله ممنوعیت سربازگیری از کودکان، نیاز به ایجت دارد. باید مطالبه‌گری صورت گیرد، نیاز به متولی دارد، یک اپوزیسیونی باید باشد که یک رویه‌ای که زمان جنگ به غلط وجود داشته و باید جمع شود را پیگیری کند. چنین نهادی در سطح بین‌المللی نداریم که پیگیر مساله باشد. ما تا نتوانیم نهادهایی ایجاد کنیم که این مساله را از جامعه جهانی مطالبه کند تا روزنامه نگارانی نداشته باشیم که این موضوع را دنبال کنند، تا سازمانی غیردولتی برای این مساله ایجاد نکنیم، اتفاقی نمی‌افتد. در غیاب این نهادها و غفلت روزنامه‌نگاران، حکومت در مدارس، در بسیج دانش آموزی و در تورهای اربعین و راهیان نور، این نتایج وحشتناک را در سوء استفاده از کودکان رقم زده است.

پایان دادن به سوءاستفاده نظامیان از کودکان، نیاز به روزنامه‌نگارانی دارد تا با کار تحقیقی و گزارش‌های حرفه‌ای، بر تاریخ‌خانه‌های چکمه‌پوشان نور بتابانند و حقوق‌دانانی باید باشند تا با تشکیل پرونده‌هایی علیه ناقضان حقوق کودکان، مساله را در محاکم بین‌المللی پیگیری کنند. وگرنه سازمان‌های بین‌المللی بدون مطالبه‌گری، به صدور قطعنامه یا نامه‌ای بسنده می‌کنند و دولت هم با ارجاع اقدامات‌اش به قوانین داخلی، از پاسخگویی شانه خالی می‌کند.

**آقای سازگارا من به سوال کوتاه از شما بپرسم با توجه به اظهارات آقای رئیسی، اگر روزنامه‌نگاران بخواهند به این مسئله ورود کنند، چه دریچه‌هایی درون خود سپاه وجود دارد که می‌شود از طریق آنها ورود کرد و به این اطلاعات دسترسی پیدا کرد؟**

**آقای محسن سازگارا:**

من مطمئنم روزنامه‌نگاری تحقیقی می‌تواند اطلاعات غیرمحرمانه را با سرچ اینترنتی مفصل و کامل از همین سایت‌های راهیان نور، اردوهای شمال و سایت رسانه‌های وابسته به سپاه و بسیج و غیره در بیاورند. اما اضافه بر اینها رو خدمتتون بگویم که حتما به کار می‌آید. الان در جمهوری اسلامی از آنجا که حکومت به شدت فاسدی شده، این فساد به دستگاه‌های اطلاعاتی و نظامی و امنیتی و هم رسیده و همه چیز فروشی شده، درست مثل ایام آخر شوری شده. روزنامه‌نگاری که داره تحقیق می‌کند اگر احیانا جایی سند پنهانی تری هم بخواهد که در وب سایت‌ها موجود نباشد، می‌تواند آن را از کانال‌های پرنفوذ به دست

بیاورد، چون این اطلاعات خیلی محرمانه نیست فقط باید آدمش را پیدا کرد.

**آقای خسروی چه فکتهایی وجود دارد که نشان می‌دهد نیروهای نظامی، برای سربازگیری از کودکان استراتژی حکومتی را دنبال می‌کنند؟**

**آقای مصطفی خسروی :**

یک نکته مهم که باید به آن توجه کرد همان جمله معروف آیت‌الله خمینی است که می‌گوید: «امید من به شما دبستانی‌هاست» یعنی من فکر می‌کنم یکی از بنیان‌های فکری سوءاستفاده از کودکان در جمهوری اسلامی برای اهداف نظام، برمیگردد به همین جمله که در دهه ۷۰ و ۸۰ در همه مدارس جزء اولین و بزرگترین شعارهای بود که روش تبلیغ میشد و آقای خامنه‌ای هم در دهه ۸۰ به بعد تمرکزش را بر استفاده از نیروها گذاشت.

استفاده از کودکان به عنوان نیروی سرکوبگر، اولین بار تا جایی که تحقیقات من نشان می‌دهد در سال ۸۸ اتفاق افتاد. یعنی اولین بار در سال ۸۸ کودکان و افراد زیر سن را با لباس نظامی به خیابان‌ها آوردند. دلیل این کار، تغییر نسبت معترضان به موافقان حکومت در خیابان‌ها بود. همین سبب شد که حکومت به این نتیجه برسد که اگر می‌خواهد این موازنه را به نفع خود پایان دهد باید با وعده پول، امکانات، تسهیلات دانشگاهی و ... کودکان را جذب بسیج کند.

اگر به آمار نگاه کنید ما ۱۵ میلیون و ششصد هزار دانش‌آموز داریم. دانش‌آموزان می‌توانند از سال چهارم ابتدایی، عضو بسیج شوند. حداقل و طبق آمار که تا سال ۱۴۰۰ بوده ما ۴ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر یعنی سی درصد دانش‌آموزها حالا به دلایل مختلف عضو بسیج دانش‌آموزی هستند که عدد کمی نیست و نگران‌کننده است. این را نمی‌توان نادیده گرفت.

واقعیت اینه که این موضوع ابعاد پیدا و پنهان زیادی دارد که نمی‌شود در این بحث کوتاه همه آنها را گشود. امیدوارم در پادکست‌های بعدی بتوانیم این مساله را بیشتر باز کنیم. از تک تک شما عزیزان برای شرکت در این گفتگو سپاس‌گزاری می‌کنم.



